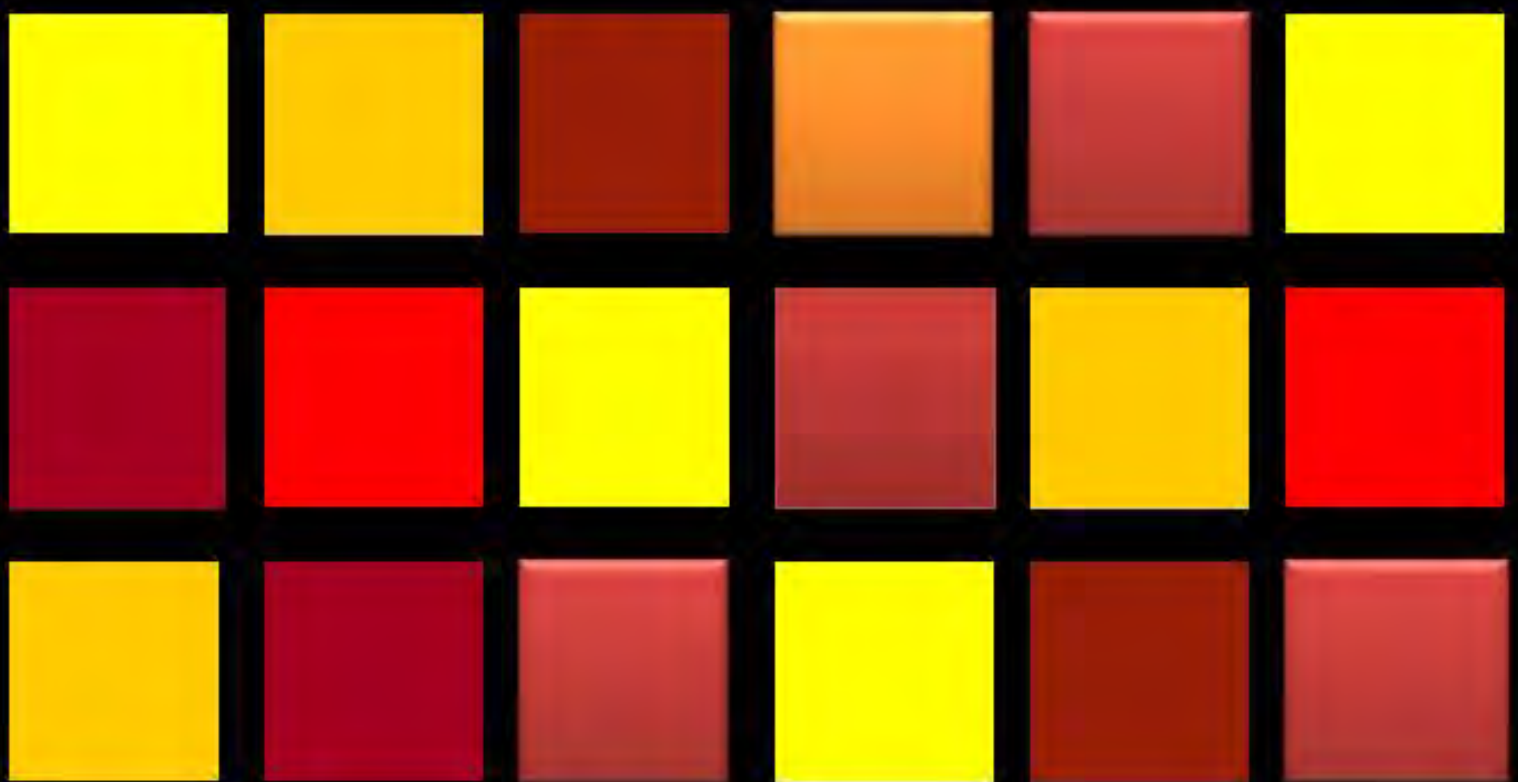


تفاوت‌های زنان و مردان



تفاوت های زنان و مردان

(Differences between women and men)

فاطمه شعبی

سال ۱۳۹۲

انتشار الکترونیکی : رایگان

تعداد صفحات همراه جلد : ۴۹ صفحه

فهرست مطالب

مقدمه

تفاوت زنان و مردان از نظر روانشناسی

تفاوت های معیاری و ارزش گذاری زنان و مردان

مقایسه تمایلات جنسی بین زنان و مردان

تفاوت های زنان و مردان در خرید کردن

تفاوت های زنان و مردان در مکالمه با تلفن

تفاوت های زنان و مردان در رانندگی

تفاوت های زنان و مردان در مهمانی رفتن

تفاوت های زنان و مردان از نظر شیوه های ارتباطی

تفاوت های زنان و مردان در ارتباط غیر کلامی

تفاوت های زنان و مردان در هنر

تفاوت های زنان و مردان در اضطراب

تفاوت های زنان و مردان در افسردگی

نحوه برخورد با فشارهای عصبی

تفاوت های زنان و مردان در مهرورزی

تفاوت های زنان و مردان در انگیزه

نتیجه گیری از مقایسه ویژگی های زنان و مردان

تفاوت مغز زنان و مردان

مقایسه انواع تفکر در زنان و مردان

بینش و بصیرت نسبت به خود

تفاوت زنان و مردان در دستگامهای ادراکی

چرا زنان گریه می کنند؟

جنسیت و جامعه

تغییرات نقش های مردان

جنسیت و فرهنگ

تفاوت های احساسی در دوران رشد

عوامل مؤثر در تقویت تفاوت های بین زن و مرد

مطالعات انجام شده در زمینه دوستی ها

تفاوت های زنان و مردان در مهرورزی

کتاب ها و منابع درسی

دیدگاه های کلیشه ای راجع به زنان

دیدگاه های کلیشه ای راجع به مردان

عوامل پایداری باورهای قالبی

منابع

مقدمه

یکی از شگفتی‌های آفرینش، وجود تفاوت‌ها بین زنان و مردان است. علاوه بر تفاوت‌های فردی بین انسان‌ها به طور کلی، بین زن و مرد نیز به طور اخص تفاوت‌های بارز چشمگیری از نظر جسمانی و روانی وجود دارد و همین امر توجه متخصصین و صاحب‌نظران را به خود جلب کرد و نقطه عطفی در باب انجام مطالعات در مورد زنان و مقایسه آن با مردان شد. مطالعه جنسیت و تفاوت‌های جنسی همواره مورد توجه و علاقه پژوهشگران بوده است. بیولوژیست‌ها و پژوهشگران، پس از بررسی و تحقیق‌های متعدد، به این نتیجه دست یافتند که رفتارهای ذهنی و فکری زنان و مردان در پاره‌ای از صفت‌های اصلی به صورت ذاتی، با هم فرق داشته و تحت تاثیر جنسیت، با هم زندگی می‌کنند ولی به گونه‌ای متفاوت از یکدیگر، عمل می‌کنند.

تفاوت زنان و مردان از نظر روانشناسی

گوهروجودی زن و مردیکی است، هردوانسانند و طبیعتاً با یکدیگر شباهتهای بسیار دارند، ضمن آنکه در مواردی با یکدیگر تفاوت دارند. متأسفانه پژوهشها و گرایشهای علمی بیشتر به تفاوتهای زن و مرد، و نه بر شباهتهای آنها تکیه دارد. افزون بر آن جنس زن و مرد در پاره‌ای از ویژگیها هم پوشی‌های زیادی را نشان می‌دهند. در ذیل به تعدادی از این موارد اشاره می‌شود. لکن تمام این معیارها، یک معیار غالبی می‌باشد، نه یک معیار صددرصدی.

- مردان و زنان دارای معیارهای متفاوتی برای رضایت مندی در زندگی می‌باشند. مردان برای شغل مناسب و موفقیت در کارها و زنان برای خانواده و فرزندان ارزش قائل می‌باشند.

- مردان موقعیتهای و اوضاع را بطور کلی درک می کنند و تفکر کلی و جامع دارند در حالی که زنان بیشتر بر روی جزئیات و نکات ظریف تمرکز می کنند.
- مردان سازنده و خلاق می باشند. آنها ریسک پذیر بوده و بدنبال تجربه های جدید می باشند در حالی که زنان با ارزشترین اطلاعات را برگزیده و آن را به نسل بعد انتقال می دهند.
- مردان نیاز مبرمی دارند تا به اهدافشان جامه عمل بپوشانند اما زنان رابطه با دیگران را در درجه نخست اهمیت قرار می دهند.
- مردان دو برابر زنان بیمار می شوند البته زنان نیز بیشتر به سلامتی خود توجه دارند.
- زنان درد و کار یکنواخت را بهتر از مردان تحمل می کنند.
- مردان و زنان دارای حس حسادت یکسان بوده اما مردان بهتر می توانند این حس را پنهان سازند.
- زنان تشریفات را دوست دارند.
- مردان کمتر تشریفات هستند.
- زنان، رابطه گرا بوده و تمایل به تماشا و نظر دارند و استعداد بیشتری برای بینش و شهود از خود نشان می دهند.
- مردان، هدف گرا بوده و به عمل و آزمایش، بیشتر تمایل نشان داده و علاقه بیشتری برای ارائه دلیل و منطق دارند.
- زنان نفوذ همسران خود را راحت تر می پذیرند.
- مردان در مقابل نفوذ زنان از خود مقاومت نشان می دهند.
- ترس زنان بیشتر است تا خشم شان.
- مردان بیشتر از این که بترسند، خشمگین می شوند.

- زنان تحمل بیشتری در برابر رنج بدنی نشان می دهند تا رنج روحی.
- مردان در برابر رنج روحی، مقاومت بیشتری از خود نشان می دهند.
- زنان سعی دارند فرزندانشان، همواره راضی و راحت باشند.
- مردان، فرزندانشان را برای استقلال، مقابله با خطر و سختی ها آماده می سازند.
- مادر، همه فرزندان خود را به طور تقریبی یکسان دوست دارد؛ مهر و محبت او مشروط به اطاعت و بروز استعداد نیست.
- پدران، فرزندان را که از آنان حرف شنوی داشته و در امر تحصیل، اجتماعی و حرفه اش موفق تر باشند، بیشتر دوست دارند.
- زنان در انتخاب همسر، مسایل بسیاری از جمله: وضع مالی، آینده، موقعیت اجتماعی، شغلی و ... را در نظر می گیرند.
- مردان سریع تر و راحت تر از زنان، در صدد ازدواج با همسر مورد علاقه شان برمی آیند.
- در چهره زنان، هنگام گفت و گو حالت های ترس، خشم، تعجب، آرامش، اضطراب و لذت به خوبی قابل رویت است.
- مردان در هنگام گوش دادن، خونسرد بوده و چهره شان دچار تغییرهای زیادی نمی شود.
- زنان هنگامی که اندیشه های غم انگیز و ناراحت کننده ای دارند، واکنش های هیجانی تر و احساسی تری را نسبت به مردان از خود بروز می دهند.
- مردان در برخورد با افکار غم انگیز و رویدادهای ناراحت کننده، احساس های خود را بروز نداده یا کمتر بروز می دهند.

- زنان در هنگام گفت و گو، جروب‌بحث و بگومگوهای مختلف، مسایل منطقی را با عواطف و احساسات خود در هم می آمیزند و از رفتارهای کلامی و غیرکلامی خود، بیشتر و قوی تر استفاده می کنند.
- مردان در هنگام گفت و شنود، جروب‌بحث و بگومگوها، بدون اینکه عواطف و احساسات خود را بروز دهند، می توانند خویشتن دار باشند، منطقی سخن بگویند و مستقل از احساسات خود عمل کنند.
- در صحنه زندگی اجتماعی، زنان بیشتر تساوی طلب هستند و همدردی، همدلی و ملاحظت بیشتری از خود نشان می دهند.
- در صحنه زندگی اجتماعی، مردان برتری طلب و مبارزه جو بوده و برای برتری خود، بیشتر تلاش می کنند. مردان بیشتر از زنان، پرخاشگر و تهاجمی هستند و رفتار خطرناک و غیراخلاقی بیشتری از خود نشان می دهند.
- احساس موفقیت در زنان، زمانی حاصل می شود که مورد تایید و تصدیق قرار گیرند.
- مردان زمانی خود را موفق و باارزش می دانند که به هدف هایشان برسند و اعتماد به نفس آنان زمانی بالاست که در انجام کارها موفق عمل کرده و خود را ثابت کرده باشند.
- در جریان زندگی، زنان، بیشتر به گذشته توجه می کنند و گوشه چشمی نیز به آینده دارند.
- مردان بیشتر به آینده توجه نشان می دهند و به راحتی می توانند گذشته را فراموش کنند.
- مسایل مالی و ثروت از نظر زنان، ایستا و غیردینامیک هستند. زنان با محافظه کاری در حفظ و نگهداری آن می کوشند و به طور کلی، بیشتر به نگهداری چیزهای موجود، دلبستگی دارند و نسبت به مردان کمتر ریسک می کنند.

- مسایل و ثروت از نظر مردان، دینامیک و غیرایستا هستند. مردان همواره در جهت افزایش و کسب پیروزی بیشتر، تلاش می کنند و به طور کلی، مردان فزون طلب بوده و در جست و جوی پیروزی بیشترند و برای تحقق آرزوها و اهداف خود بیشتر ریسک پذیر هستند.
- زنان به گفت و گو علاقه مندند و با بیان مسایل، از فشار ناراحتی خود می کاهند.
- مردان سکوت را دوست دارند و به تنهایی به حل مسایل خود می پردازند.
- زنان شنونده خوبی هستند. مردان شنونده خوبی نیستند.
- زنان کارهایشان را با یک روند آرام، تدریجی، حرکت های ملایم، ظریف و ... به انجام می رسانند.
- مردان، کارهایشان را با نوسانات زیاد ولی آگاهانه و با حرکت های فراوان، مطمئن و محکم انجام می دهند.
- اغلب مردها زمانی که لباس یا کت خود را می پوشند اول دست راست و سپس دست چپ خود را از آستین رد می کنند. اما زنان برای لباس پوشیدن ابتدا دست چپ و سپس دست راست خود را از آستین رد می کنند. این تفاوت در اغلب فرهنگ ها یکسان می باشد.
- بدون درخواست کمک، اگر به خانمی پیشنهاد کمک شود، او آن را علامت مهر و محبت دانسته و در اغلب موارد پذیرای آن می شود.
- در نظر یک مرد، پیشنهاد کمک به او، به منزله این است که قدرت انجام کاری که به عهده گرفته است، ندارد و او از این پیشنهاد، آزرده شده و آن را نوعی توهین به خود تلقی می نماید. حتی ممکن است به آن اعتراض کرده و خشم خود را نشان دهد، چرا که مرد تصور می کند که خود می تواند از عهده کارهایش برآید.

- زنان جزئی نگر هستند، ماهرانه متوجه آهنگ های ظریف صدا، علائم ظاهری، حالت ها و تغییرهای چهره شده و از این طریق به علاقه ها، اندیشه ها و روحیه طرف مقابل به خوبی و سریع پی می برند؛ راست و دروغ حرف های طرف مقابل را به سرعت کشف می کنند.
- مردان کلی نگر هستند و به جزئیات زیاد توجه نمی کنند لذا تمایل، احساسات و هیجان های طرف مقابل را از چهره اش به خوبی درک نمی کنند.
- زنان تصاویر معمولی و هیجانی را بهتر از مردان به خاطر می آورند.
- به یادآوردن تصاویر معمولی و هیجانی برای مردان، به آسانی صورت نمی گیرد.
- زنان بیشتر از مردان نگران سلامتی خود هستند.
- زنان به پول به چشم ابزار مینگرند اما مردان به عنوان منبع قدرت.
- زنان بیشتر از مردان از دیگران در خواست کمک می کنند.
- زنان به زندگی عشق می ورزند، عشق برای خانم ها همه زندگی محسوب می شود. زنان به احساس عشق، عنایت بیشتری دارند.
- مردان بیشتر از راه چشم (دیدن) عاشق می شوند.
- زنان بیشتر از راه گوش (شنیدن) تحت تاثیر قرار می گیرند و محبت خود را بروز داده و عشق را انتخاب می کنند.
- وفاداری در زنان بیشتر از مردان است.
- مردان بیشتر به اشیاء و اهداف و زنان به افراد و احساسات علاقه مند می باشند.
- مردان هیچگاه در مورد مشکلاتشان صحبت نمی کنند مگر آنکه بخواهند نظر و اندرز یک کارشناس را جویا گردند. درخواست کمک از دیدگاه مردان ضعف تلقی می گردد.

- مردان پرخاشگر، جنگجو تر و سلطه جو تر از زنان می باشند.
- دغدغه فکری مردان وضعیت مالی و زنان جذابیت فیزیکی است.
- برخلاف تصور، مردان بیشتر از زنان نسبت به پایان یافتن رابطه آسیب پذیر تر و وابسته تر می باشند و در صورت پایان یافتن یک رابطه خرد میگردند. زیرا مردان معمولا دوستان و پشتیبان احساسی کمتری نسبت به زنان دارند.
- مردان نصیحت زنان را به منزله عدم کفایت و شایستگی خود قلمداد میکنند.
- مردان برای دلداری دادن زنان آزرده راه حل برای مشکلاتشان ارائه میدهند اما این عمل از سوی زنان بی توجهی به احساساتشان تفسیر میگردد. هنگامی که زنان مشکلاتشان را با مردان در میان می گذارند دنبال راه حل نمیگردند آنها تنها نیاز دارند تا فردی به حرفهایشان گوش دهد.
- زنان در به خاطر آوردن چهره ها و اسامی، بهتر از جنس مذکر عمل می کنند و کمتر از مردان دچار فراموشی می شوند.
- مردان چهره و اسامی افراد را زودتر فراموش می کنند و بیشتر از زنان دچار آلزایمر می شوند.
- زنان در جوانی، مهربان و در پیری، تهاجمی و خشن می شوند.
- مردان در جوانی، خشن و خودخواه و در پیری، مهربان می شوند.

تفاوت های معیاری و ارزش گذاری زنان و مردان

- نیاز درونی و واقعی یک زن، داشتن آرامش و تکیه گاه و حامی است. زنان زمانی احساس آرامش می کنند که حس کنند مردی وجود دارد که می توان به او تکیه کرد، همچنین قابل اعتماد بوده و می تواند خودشان را تسلیم وی کنند. فقط یک زن واقعا عاشق شما را قرین خوشبختی می کند و شما این عشق را در او به وجود می آورید. وقتی که زن مرکزیت و حمایت (به ویژه عاطفی) خود را از دست می دهد،

سختگیر، خود رای و غیر قابل اعتماد می شود. در این صورت است که احساس آرامش و شادکامی خود را از دست داده و ناخود آگاه باب میل شما رفتار نمی کند.

- مردان ازدواج را نوعی استقلال شخصیتی می دانند، آن ها علاقه ی بسیاری به این استقلال دارند و از نظر هویتی برای آن ها سخت است که تحت نظارت و انتقاد دیگران باشد (شاید آن ها انتقاد را نوعی عدم استقلال فرض می کنند) به همین خاطر وقتی همسر او با وی رئیس مآبانه برخورد می کند، باعث می شود وی از نظر شخصیتی پایین آید، همین احساس حقارت در وی اغلب با برخوردهای خشن و عصبی، جلوه گرمی شود.

- مردها، برای قدرت، شایستگی و توانایی، ارزش قائل اند و زنان برای کلمات عاشقانه، رمان های احساسی و ادبیات عاشقانه می میرند. شاید برای یک مرد تعجب داشته باشد، که چرا وقتی کار مشقت آمیز و سختی که شاید کم تر کسی، می توانست آن را انجام دهد، را انجام داده و همسرش فقط از او یک تشکر خشک و خالی، کرده است. همینطور برای یک مرد جای تعجب است، که چرا وقتی با کلمات بسیار معمول از آشپزی همسرش و یا حتی زیبایی چهره ای و ظاهر او، تعریف کرده، او دلگیر شده است.

- تا می توانید از گفتارهای حاشیه ای و جنجالی، دوری کنید مردان در مقایسه با زنان، کارکرد مغزشان، بسیار ساده تر است و نمی توانند صحبت های غیر مستقیم را درک کنند.

- وقتی یک زن برای تعطیلات آخر سال برنامه ریزی می کند، قصد او کنترل شما نیست، او نمی خواهد شما را مجبور به برنامه ریزی های خود کند (اونمی خواهد شما را از همین الان محدود کند)، قصد او از برنامه ریزی فقط این است که می خواهد، با آرامش کارهای خود را انجام دهد (توجه کنید که زنان، نمی توانند کاری را بدون برنامه ریزی قبلی انجام دهند)، حتی اگر آن کاریک برنامه ی بسیار پیش پا افتاده باشد. آنان به کارشان عشق می ورزند و آن را عاشقانه انجام می دهند.

- زنان از نظر حافظه ی زمانی بسیار متبهرند . به عنوان مثال اگر می خواهید زمان دقیق آخرین باری که تست آزمایش خون انجام داده بودید، یا آخرین دفعه که به آرایشگاه رفته بودید را بدانید، همسران تاریخ دقیق آنرا برای تان بازگومی کند. این ها همان مسائل مهمی است که از دیدگاه مردان، یک امر کاملاً اتفاقی تلقی می گردد اما به یاد داشته باشید، این یک نوع اتفاق ساده نیست که همسران تمام تاریخ ها را حفظ می کند، این یک قدرت است.

- سعی کنید هدیه هایی را که در مناسبت های مختلف به همسران می دهید، متفاوت باشد، به عنوان مثال هر سال طلا به وی هدیه ندهید، گاهی هدیه دادن یک لباس زیبا برای ابراز محبت می تواند بالاتر از میلیون ها تومان پول نقد، ارزش داشته باشد.

مقایسه تمایلات جنسی بین زنان و مردان

- تولید هورمون استروژن (هورمون جنسی زنانه) باعث کمتر شدن خشونت، کاهش پرخاشگری، ابراز وجود، رقابت و ... در زنان می شود. تولید هورمون زنانه، پیوندجویی را در زنان تقویت می کند.

- تولید هورمون تستسترون (هورمون جنسی مردانه) میل جنسی، پرخاشگری، تهاجم، رقابت، اتکا به نفس، حرکت های تند و ... را در مردان سبب می شود. تولید بیشتر این هورمون، مردان را به خشونت، تجاوزهای جنسی و بدرفتاری جنسی، حس رقابت، اتکا به نفس و رسیدن به هدف، سوق می دهد.

- میل جنسی در زنان کمتر از مردان است. زنان قلب مردان را می خواهند.

- میل جنسی در مردان بیشتر است. مردان جسم زنان را می خواهند.

- مردان به روابط جنسی توجه دارند. عشق برای مردان بخشی از زندگی آنها است.

- مردان زیاد به برقراری رابطه جنسی می اندیشند. این یکی از تصورات زنان نسبت به مردان است که واقعیت دارد اما زنان باید آگاه باشند که این یکی از خصوصیت های بیولوژیکی مردان است. در واقع

مردان در طبیعت این گونه طراحی گردیده اند و نباید به آنها به دید موجوداتی شیطانی نگریست. البته مردان قادر به کنترل این میل می باشند.

- انگیزش بصری نقش مهمی در تهییج جنسی مردان ایفا می کند. مردان از لحاظ جنسی موجوداتی بصری هستند اما زنان بیشتر نسبت به کلام و واژه ها و لحن صدا از خود واکنش نشان داده و برانگیخته می گردند. عدم آگاهی نسبت به این تفاوت بارز میان دو جنس می تواند برای زنان و مردان مشکل ساز باشد.

- تخیلات نیز نقش بسیار قدرتمندی در تهییج جنسی مردان ایفا می کند. این بدان معناست که مردان بسیار در مورد رابطه جنسی خیالپردازی می کنند. یافته ها بیانگر آن است که مردان ۳ برابر زنان برقراری رابطه جنسی را در رویاهای خود می بینند.

- مردان و زنان در سطح انرژی و تمایلات جنسی نیز با یکدیگر تفاوت دارند. زنان معمولاً یک باطری و یا منبع انرژی دارند که تمام کارهای خود را با آن انجام می دهند از قبیل کار، مراقبت و رابطه جنسی. اما مردان یک باطری تعبیه شده یدک صرفاً برای برقراری رابطه جنسی همواره در اختیار دارند. بدین مفهوم که یک مرد ممکن است مانند یک دوندۀ ماراتون خسته و ناتوان باشد اما کماکان انرژی کافی برای برقراری رابطه جنسی در اختیار خواهد داشت. اما این سناریو برای زنان هیچ مصداقی ندارد. این مسئله به ساختار مغزی زن و مرد مربوط می گردد.

- میل جنسی مردان کمتر به احساسات مقید است. این تفاوت نیز می تواند تنش جنسی بزرگی را میان زنان و مردان پدید آورد. اما این نیز یک تمایز بیولوژیکی می باشد.

- میل جنسی زنان شدیداً به بخش احساسی و عاطفی مغزشان مرتبط است. زنان قبل از برقراری رابطه جنسی علاوه به اینکه باید در آرامش کامل بوده و واقعا شاد باشند، از نظر احساسی و عاطفی باید به رضایت برسند و مورد نوازش قرار بگیرند، تا بتواند رابطه رضایت بخشی برقرار کنند.

- زنان و مردان هر دو تحت تاثیر سیکل هورمونی قرار دارند. اکثر زنان سیکل ۲۸ روزه ای داشته که بروی خلق و خو و تمایلات جنسی آنان تاثیر گذار است. مردان نیز دارای سیکل بیولوژیکی هستند. مردان دارای انباشت تستوسترون ۳ روزه در بدن خود می باشند. یک مرد معمولی دارای سائق جنسی ۳ روز در میان می باشد. یعنی تمایل دارد حداقل ۳ روز در میان رابطه جنسی داشته باشد. اما این سیکل نیز همچون سیکل زنان در افراد مختلف با یکدیگر تفاوت دارد. البته این موضوع نباید توجیهی برای زیاده خواهی مردان باشد از آنجایی که این تمایلات قابل کنترل می باشد.

- خیانت جنسی برای مردان و خیانت احساسی (رابطه صمیمی) برای زنان غیر قابل تحمل است. بدین مفهوم که برای یک مرد حتی تصور خیانت جنسی همسرش می تواند واکنش شدیدی در وی ایجاد کند. اما زنان بیشتر از این موضوع هراس دارند که نکند همسرشان آنها را رها کرده و عاشق زن دیگری شود. - یکی دیگر از تفاوت‌های فاحش پیک جنسی (اوج تمایلات جنسی) در مردان در سن ۱۸ سالگی و در زنان در سنین ۳۵ تا ۴۰ سالگی می باشد.

- شدت اورگاسم (اوج لذت جنسی) در زنان بیشتر از مردان می باشد. - یکی دیگر از تفاوت‌های دردسر ساز مدت رسیدن به اوج لذت جنسی در مردان کمتر از ۳ دقیقه و در زنان ۱۰ تا ۲۰ دقیقه (حداقل ۱۲ دقیقه) به طول می انجامد.

- یکی دیگر از تفاوت‌های مشکل آفرین کاهش تناوب روابط جنسی در مردان و زنان واکنش‌های متفاوتی ایجاد می کند: در مردان میل جنسی افزایش یافته، سریعتر تحریک شده و آسانتر به اوج لذت جنسی می رسند اما در زنان کاملاً برعکس است بطوری که میل جنسی کاهش یافته، به سختی برانگیخته می گردند و رسیدن به اوج لذت جنسی بسیار دشوار می گردد.

بر اساس عقیده روانشناسان ۸۰٪ اختلافات زنا شونی مربوط به همین حوزه می باشد. اگر همسران با در نظر گرفتن تفاوتها برای برقراری ارتباط جنسی به رفع نیاز یکدیگرپردازند، از به وجود آمدن بخش عظیمی از مشکلات پیشگیری می کنند، در نتیجه اختلاف نظر ها و تنش و در گیری ها بسیار تقلیل خواهد یافت و گذشت بیشتری نسبت به یکدیگر از خود نشان می دهند.

تفاوتهای زنان و مردان در خرید کردن

زنان معمولا در هنگام خرید کردن ساعتها وقت صرف می کنند، در حالی که مردان ظرف چند دقیقه خرید خود را انجام داده و به خانه بازمی گردند. بسیار اتفاق افتاده است که مردان از شیوه خرید کردن همسرشان شکایت می کنند و دلیل آن که آنها چندین ساعت برای سادهترین خریدها زمان صرف می کنند نمی دانند. همین موضوع در بسیاری از مواقع به درگیری ها و بگومگوهای نیز بین آنها تبدیل می شود. وقتی زن و مردی وارد یک نمایشگاه می شوند شما می توانید تمرکز مردانه را هنگامی که یک مرد بسیار سریع و هدفمند از یک غرفه به غرفه دیگری می رود ببینید، ولی زن به اکتشاف و تجسس جزئیات می پردازد.

دانشمندان اعلام کردند دلیل تفاوت شیوه خرید کردن مردان و زنان را کشف کردند. بیشتر عادات مردان و زنان را می توان توسط نقش آنها در روند تکامل توضیح داد و دانشمندان معتقدند این تفاوتها به دلیل نقشهای مختلفی است که مردان و زنان در طول تاریخ داشته اند. پروفیسور دانیل کروگر از دانشگاه میشیگان پس از تحقیقاتی در این باره گفت: این تحقیقات می تواند به دلیل درگیریهای زیاد زن و شوهرها زمانی که با هم به خرید می روند پاسخ دهد.

در دوران غار نشینی زنان مجبور بودند بهترین نوع غذا را با بالاترین کیفیت پیدا کنند زیرا در صورتی که آن‌ها در این مورد اشتباه می‌کردند ممکن بود ماده غذایی سمی را به خانه بیاورند که این موضوع می‌توانست به قیمت جان افراد خانواده تمام شود. به همین دلیل زنان در هنگام جمع‌آوری مواد غذایی مانند میوه‌ها، مجبور بودند به دقت فاکتورهایی مانند رنگ، شکل، بو و دیگر موارد را در نظر بگیرند تا از امنیت و کیفیت مواد غذایی اطمینان حاصل کنند. همین‌طور زنان دارای دید محیطی بهتری می‌باشند که به آنها کمک می‌کند اتفاقات پیرامون منزل خود را زیر نظر گرفته و خطر در حال نزدیک شدن به خانه را شناسایی کنند. مردان قادر هستند تا مسیر حرکت خود را بخاطر بسپارند. زیرا در گذشته مردان می‌بایست شکار خود را ردیابی کرده و آن را گرفته و به خانه می‌آوردند مغز مردان برای شکار کردن برنامه ریزی شده و مغز زنان قادر است دامنه وسیعی از اطلاعات را رمزگشایی کند.

اختلاف زن و شوهرها بر سر خرید به همین دوران باز می‌گردد. با وجود آنکه شرایط زندگی تغییر کرده باز هم زنان و مردان تمایل دارند از برنامه بیولوژیکی خود پیروی کنند. دانشمندان معتقدند دلیل آن که زنان امروزه چندین ساعت از وقت خود را صرف خرید کردن می‌کنند و سعی می‌کنند بهترین کالا را خریداری کنند بدان علت است که آن‌ها در طول عصرهای گذشته نیز ساعت‌های زیادی را صرف می‌کردند تا بهترین غذا را با بهترین کیفیت پیدا کنند، در دوران مدرن زنان نیز از همان عادات قبلی خود تبعیت می‌کنند و سعی می‌کنند زمان زیادی را برای پیدا کردن بهترین کالا با بهترین شکل و طرح صرف کنند. اما مردان قبل از رفتن به شکار در مورد حیوان مورد نظر خودشان تصمیم می‌گرفتند و به محض آن که به مقصود خود می‌رسیدند به خانه بازمی‌گشتند. دقیقاً به همین دلیل است که مردان امروزی از قبل در مورد کالایی که می‌خواهند خرید کنند تصمیم می‌گیرند و برای پیدا کردن آن به خرید می‌روند و به

محض پیدا کردن کالای مورد نظرشان آن را خریداری می کنند و معمولا بیش تر از چند دقیقه برای خرید خود زمان صرف نمی کنند.

پس آقایان محترم که از نحوه ی خرید همسرانتان دلخور هستید، امیدوارم با خواندن این مطلب متقاعد شده باشید که این موضوع اصلا تقصیر آن ها نیست و باید علت آن را از نیاکانشان جویا شوید.

تفاوت های زنان و مردان در مکالمه با تلفن

مردها درحین صحبت با تلفن دوست ندارند با کس دیگری صحبت کنند، انرژی مردانه خواهان آن است که در یک لحظه بر روی یک موضوع متمرکز شود، در حالی که یک زن قادر است با تلفن صحبت کند، از سوختن شام جلوگیری کند، بچه اش را آرام کند، متوجه شود شوهرش به او چه می گوید و... هوشیاری منبسط او اجازه می دهد تا مراقب چیزهای زیادی باشد.

تفاوت های زنان و مردان در رانندگی

رانندگی وضعیت دیگری است که این تفاوت ها را آشکار می سازد. هرگز سعی نکنید با مردی که در حال رانندگی است گفت و گوی خصوصی داشته باشید. تمرکز یک مرد در رسیدن به هدفش در مؤثرترین شیوه ممکن است. اما متأسفانه زن ها گوش ندادن مردها را بد تعبیر می کنند یا خیال می کنند توجهی به آنها ندارند.

تفاوت های زنان و مردان در مهمانی رفتن

وقتی مردی وارد اتاق جدیدی می‌شود نقطه‌ای را انتخاب می‌کند، به طرف آن می‌رود به چیزی نگاه می‌کند و بعد به چیز دیگر و بعدش باز به چیزی دیگر. این کار را ادامه می‌دهد تا به تدریج تصویری از محیط بسازد.

برعکس وقتی یک زن وارد همان اتاق می‌شود در یک نگاه سریع، تقریباً خود به خود به خیلی چیزها نگاه می‌کند و تمام اتاق را به یکباره می‌بیند. او به رنگ دیوارها، عکس‌ها و این که اتاق چگونه تزئین شده دقت می‌کند سپس وقتی تصویری از کل محیط دارد، یک نقطه را برای نشستن انتخاب می‌کند. هنگامی که مردان وارد اتاق می‌شوند بدن‌بال راه خروج می‌گردند، خطر احتمالی را برآورد کرده و راه‌های گریز را می‌سنجد. در حالیکه زنان به چهره میهمانان توجه میکنند تا پی ببرند که میهمانان چه کسانی بوده و چه احساسی دارند.

تفاوت‌های زنان و مردان در خرید کردن

زنان معمولاً در هنگام خرید کردن ساعت‌ها وقت صرف می‌کنند، در حالی که مردان ظرف چند دقیقه خرید خود را انجام داده و به خانه بازمی‌گردند. بسیار اتفاق افتاده است که مردان از شیوه خرید کردن همسرشان شکایت می‌کنند و دلیل آن که آن‌ها چندین ساعت برای ساده‌ترین خریدها زمان صرف می‌کنند نمی‌دانند. همین موضوع در بسیاری از مواقع به درگیری‌ها و بگومگوهایی نیز بین آن‌ها تبدیل می‌شود. وقتی زن و مردی وارد یک نمایشگاه می‌شوند شما می‌توانید تمرکز مردانه را هنگامی که یک مرد بسیار سریع و هدفمند از یک غرفه به غرفه دیگری می‌رود ببینید، ولی زن به اکتشاف و تجسس جزئیات می‌پردازد.

دانشمندان اعلام کردند دلیل تفاوت شیوه خرید کردن مردان و زنان را کشف کردند. بیشتر عادات مردان و زنان را می توان توسط نقش آنها در روند تکامل توضیح داد و دانشمندان معتقدند این تفاوتها به دلیل نقشهای مختلفی است که مردان و زنان در طول تاریخ داشته اند. پروفیسور دانیل کروگر از دانشگاه میشیگان در این باره گفت: این تحقیقات می تواند به دلیل درگیری های زیاد زن و شوهرها زمانی که با هم به خرید می روند پاسخ دهد.

در دوران غار نشینی زنان مجبور بودند بهترین نوع غذا را با بالاترین کیفیت پیدا کنند زیرا در صورتی که آنها در این مورد اشتباه می کردند ممکن بود ماده غذایی سمی را به خانه بیاورند که این موضوع می توانست به قیمت جان افراد خانواده تمام شود. به همین دلیل زنان در هنگام جمع آوری مواد غذایی مانند میوه ها، مجبور بودند به دقت فاکتورهایی مانند رنگ، شکل، بو و دیگر موارد را در نظر بگیرند تا از امنیت و کیفیت مواد غذایی اطمینان حاصل کنند.

اختلاف زن و شوهرها بر سر خرید به دوران غار نشینی باز می گردد. با وجود آنکه شرایط زندگی تغییر کرده باز هم زنان و مردان تمایل دارند از برنامه بیولوژیکی خود پیروی کنند. مردان قادر هستند تا مسیر حرکت خود را بخاطر بسپارند. زیرا در گذشته مردان می بایست شکار خود را ردیابی کرده و آن را گرفته و به خانه باز می گرداندند در حالی که زنان دارای دید محیطی بهتری می باشند که به آنها کمک می کند اتفاقات پیرامون منزل خود را زیر نظر گرفته و خطر در حال نزدیک شدن به خانه را شناسایی کنند. مغز مردان برای شکار کردن برنامه ریزی شده و مغز زنان قادر است دامنه اطلاعات وسیعی را رمزگشایی کند. دانشمندان معتقدند دلیل آن که زنان امروزه چندین ساعت از وقت خود را صرف خرید کردن می کنند و سعی می کنند بهترین کالا را خریداری کنند بدان علت است که آنها در طول عصرهای گذشته نیز ساعت های زیادی را صرف می کردند تا بهترین غذا را با بهترین کیفیت پیدا کنند. اما

مردان قبل از رفتن به شکار در مورد حیوان مورد نظر خودشان تصمیم می گرفتند و به محض آن که به مقصود خود می رسیدند به خانه بازمی گشتند. دقیقاً به همین دلیل مردان امروزه به محض پیدا کردن کالای مورد نظرشان آن را خریداری می کنند و معمولاً بیشتر از چند دقیقه برای خرید خود زمان صرف نمی کنند.

در دوران مدرن زنان نیز از همان عادات قبلی خود تبعیت می کنند و سعی می کنند زمان زیادی را برای پیدا کردن بهترین کالا با بهترین شکل و طرح صرف کنند. این در حالی است که مردان امروزی از قبل در مورد کالایی که می خواهند خرید کنند تصمیم می گیرند و برای پیدا کردن آن به خرید می روند. اما زنان معمولاً در مورد خرید کردن کالای مورد نظر خود طرح خاصی ندارند و بسیار اتفاق افتاده است که برای کالای خاصی به خرید رفته اند، اما با کالای دیگری به خانه بازگشتند.

پس آقایان محترم که از نحوه ی خرید همسرانتان دلخور هستید، امیدوارم با خواندن این مطلب متقاعد شده باشید که این موضوع اصلاً تقصیر آن ها نیست و باید علت آن را از نیاکانشان جویا شوید.

تفاوت زنان و مردان از نظر زبان

- مرکز گویش زنان در دو نیم کره مغز قرار دارد و آنان برای صحبت کردن، هم زمان از دو نیم کره خود استفاده می کنند.

- مرکز گویش مردان فقط در نیم کره چپ مغز قرار دارد و نسبت به مرکز گویش زنان، کوچک تر است.

- دختران زودتر از پسران حرف زدن را شروع می کنند. تا ۳ سالگی، ۹۹ درصد صحبت، جامع است.

- پسران دیرتر از دختران حرف زدن را شروع می کنند. تا ۴,۵ سالگی، ۹۹ درصد صحبت آنان جامع است.

- زنان در برقراری ارتباط، گوش دادن و فراگیری زبان، قوی تر از مردان عمل می کنند.
- مردان در ارتباط برقرار کردن، گوش دادن و فراگیری زبان، ضعیف تر از زنان عمل می کنند.
- برای بیشتر زنان، گفت و شنود و هم دلی وسیله ارتباط عاطفی و احساسی است و زن با زبانش می خواهد با همسرش ارتباط برقرار کند.
- برای بیشتر آقایان، گفت و گو وسیله ارتباط و تبادل اطلاعات به حساب می آید. مرد با بدنش می خواهد با همسرش ارتباط برقرار کند.

تفاوت‌های زنان و مردان از نظر شیوه های ارتباطی

زنان و مردان با وجودی که از کلمات مشابه استفاده می کنند ولی حرف یکدیگر را نمی فهمند. اغلب انسان شناسان معتقدند که چند تفاوت اساسی در شیوه ارتباطی میان زنان و مردان وجود دارد که به طور خلاصه به شرح زیر است:

- زنان برای بیان احساسات از انواع صفات عالی و مبالغه آمیز استفاده کرده و احساسات خود را غلیظ بیان می کنند. در واقع با احساس تر صحبت می کنند.
- تحقیقات نشان می دهند که زن ها و مردها از روش های متفاوتی برای نشان دادن گوش کردن خود استفاده می کنند. زن ها در حین گوش دادن بیشتر سر تکان می دهند و از کلماتی مانند آهان، بله و... استفاده می کنند و مقصودشان نیز از استفاده این کلمات این است که «دارم به حرف های شما گوش می دهم». ولی مردها کمتر این حرکات را انجام می دهند و بیشتر زمانی از این اصوات و کلمات استفاده می کنند که بخواهند توافق خود را اعلام نمایند.
- برخی پژوهش ها حاکی از این است که زنان بیشتر از مردان به گفت و گو در مورد جزئیات علاقه مند هستند و بیشتر از مردان درباره چگونگی احساس و عملکرد مردم صحبت می کنند. ولی برای مردها

گفت و شنود در مورد مسائل کلی مثل سیاست، بازار، تاریخ، کاربرد اشیاء مختلف و ورزش اهمیت بیشتری دارد. معمولاً زن ها وقتی در مورد مسئله ای یا رویدادی گزارش می دهند آن را با جزئیات تشریح می کنند، ولی مردها معمولاً خلاصه ای کوتاه و کلی را در مورد رویدادها ارائه می کنند.

- پژوهش ها نشان می دهد ۷۱ درصد زنان و ۶۴ درصد مردان به غیبت کردن می پردازند. از طرف دیگر زنان بیشتر از مردان از کلمات و عباراتی که محتوای احساسی و عاطفی دارند استفاده می کنند و به طور کلی در سخن گفتن بر اساس آداب صحبت می کنند.

- غالباً زنان برای دلگرم کردن همسران خود از کلمات احساسی استفاده می کنند. ولی مردان چنین نیستند. خانم ممکن است احساس کند که چون همسرش هنگام صحبت کردن او، این الفاظ را به کار نمی برد به او توجه نمی کند.

- زنان ممکن است با سکوت و یا شیوه های دیگر اعتراض کنند. شکایت و اعتراض برخی از زنان را میتوان به این مسئله ارتباط داد که شوهرانشان به حرف های آنها توجهی نمی کنند.

- الفاظی چون ما و تو در میان زنان بیشتر به چشم می خورد و این الفاظ را برای ایجاد حس یکی شدن به کار می برند و غالباً آنها از لحن مقتدرانه و خشن مردان خود رنج می برند و آن را دلیلی بر اثبات حاکمیت مردان تلقی می کنند.

- زنان معمولاً در مکالمات سؤالات بیشتری می پرسند. آنها سؤال کردن را راهی برای ادامه گفت و گو می دانند. در حالی که مردان پرسیدن را راهی برای کسب اطلاعات بیشتر می دانند. مردان کمتر دوست دارند سؤالات شخصی را مطرح کنند آنها فکر می کنند که اگر همسرم قرار است چیزی بگوید خواهد گفت. زنان نیز فکر می کنند اگر سؤال نکنند شوهرشان فکر می کنند آنها بی تفاوت هستند. مردان

سؤالات زیادی را نشان دهنده ی کنجکاوی بیجای سؤال کننده می دانند ؛ در حالی که زنان آن را بیانگر ارتباط قوی و صمیمی زوجین می دانند.

- مردان هرگاه به سخنان همسران خود گوش می کنند سعی دارند سریعاً راه حلی برای مشکلات مطرح شده پیدا کنند. اما در این مورد زنان موشکافی و پرداختن جزء به جزء حل مسئله را ترجیح می دهند. زنان مشکلات خود را با زنان دیگر در میان می گذارند و از تجربیات یکدیگر هم استفاده می کنند.

- گلیگان در کتاب مشهورش به نام «صدایی متفاوت»، می گوید مردان روابط خود با دیگران را بخشی از یک سلسله مراتب می بینند که در یک گروه قدرت و نفوذ بیشتری نسبت به دیگران دارند. برعکس، زنان در روابط خود با دیگران، خود را با شبکه ارتباطی مهمی پیوسته می بینند. آنها زندگی را وابسته به ارتباط و پیوند در قالب فعالیت های مراقبتی و دلبستگی، و نه قراردادهای توافقی می نگرند.

زوجین برای ارج نهادن به گفت و گوهای یکدیگر و همینطور استحکام روابط خود باید به مواردی توجه کافی داشته باشند، این موارد عبارتند از:

۱. سعی داشته باشید زبان شریک زندگی خود را بهتر متوجه شوید. اگر متوجه می شوید که پند های شما به همسران تنها باعث ناراحتی او می شود، راه حل مناسب دیگری پیدا کنید.

۲. صحبت های همسران را قطع نکنید. هیچ گاه وسط حرف های همسران سخن نگویید، اگر از طرف همسران چنین اتفاقی افتاد سریع از این مسئله تعبیر منفی نکنید و فرض را بر این بگذارید این روش صحبت کردن اوست و یا این که اتفاقی بوده است.

۳. از مطرح کردن سؤالات و پاسخ های نامناسب خودداری کنید. سؤالات خود را به شکل ماهرانه برسید تا پاسخی درست دریافت دارید و از آن بهره ببرید. مطرح کردن پرسش هایی از موضوعات مناسب و جالب به مکالمه ی مفید و ادامه دار می انجامد.

۴. از شیوه های عاطفی استفاده کنید. زیاد سخت گیر نباشید. هر کس حساسیتی دارد. توجه داشته باشید که هیچ زوجی به طور صد درصد متناسب با هم نیستند، شاید همین عدم تناسب صد درصد باعث جذب دو فرد به هم می شود. یاد بگیرید تفاوت های فردی یکدیگر را بپذیرید و از برخوردهای سخت و خشن خودداری کنید. توجه داشته باشید که تفاوت های شما ناشی از بی وفایی یا فقدان اعتماد و احترام متقابل نیست. تفاوت ها، خود عامل کشش است، نه نشانه ای از ناپسند بودن.

۵. به هنگام گفت و گو با همسران ساکت و مبهوت ننماید. زمان صحبت کردن از طریق اشاره و حرکت دست و صورت یا با صدا و ... به همسر خود برسانید که نسبت به حرف هایش بی تفاوت نیستید. در این صورت همسران متوجه می شود که شما به حرف هایش گوش می دهید و برای شما مهم است.

تفاوت های زنان و مردان در ارتباط غیر کلامی

میان زن و مرد از لحاظ رفتارهای غیر کلامی مانند لبخند زدن، وضعیت بدن، و فضای شخصی تفاوت وجود دارد. برای درک این مطلب کافی است صدای تلویزیون را قطع کرده و به مشاهده رفتار غیر کلامی گوینده پردازید. «فرانسز»، معتقد است اهمیت جنبه های غیر کلامی حتی از پیام های کلامی مهمتر است لذا در ذیل به شرح رفتارهای غیر کلامی می پردازیم که عبارت اند از: فضای شخصی، وضعیت بدن، حالات صورت و توانایی رمزگشایی.

فضای شخصی

منظور از فضای شخصی، فضای نامرئی اطراف هر شخص است که در آن مورد هجوم دیگران قرار می گیرد. انسان از فضای شخصی خود هنگامی آگاه می شود که شخص بیگانه ای به او آنقدر نزدیک می

شود که احساس ناراحتی و ناامنی می کند. اندازه ی این فضای شخصی برای زنان و مردان، همچنین در فرهنگ های مختلف متفاوت است. به طور کلی زنان فضای کمتری را در مقایسه با مردان اشغال می کنند و به فاصله کمتری از یکدیگر می نشینند و یا می ایستند. حتی کودکان پیش دبستانی در فاصله کمتری از زنان بزرگسال قرار می گیرند تا از مردان. حال در پژوهش های خود به این نتیجه رسید که رعایت فضای شخصی، از نظر جنسی در میان مردان و زنان متفاوت است.

وضعیت بدن

تفاوت های جنسی در وضعیت بدن از همان آغاز زندگی به وجود می آید. زنان در نشستن و یا ایستادن، پاها را در کنار هم قرار می دهند و معمولاً دستان را در برابر سینه قرار می دهند و متمایل به پهلو می نشینند، برعکس مردان پاها را در نشستن و ایستادن بازتر و یا روی هم می گذارند. و دستان خود را نزدیک هم روی پاها قرار می دهند. مردان در نشستن و ایستادن آرامش بیشتری دارند. در حالی که در وضعیت بدن زنان اندکی تنش دیده می شود.

حالات صورت

از لحاظ حالات صورت، زن و مرد با یکدیگر تفاوت دارند. زنان معمولاً بیش از مردان لبخند می زنند. بررسی های موجود، فراوانی لبخند در زنان را دو برابر مردان گزارش کرده است پژوهش ها نشان می دهد که لبخند زنان الزاماً به معنای شاد بودن و یا حالت های عاطفی دوستانه آنها نیست، لبخند پدران، هنگامی که مطالب خوب به فرزندان خود می گویند و جدی بودن آنها هنگامی که مطالب خنثی و یا نامطبوع می گویند، قابل مشاهده است. در حالی که لبخند مادران به ماهیت پیام آنها چندان ارتباطی

ندارد. به نظر می‌رسد حالات صورت زنان، اغلب وضعیت عاطفی و هیجانی آنها را فاش نمی‌کند. تفاوت دیگر زنان با مردان در حالات صورت این است که زنان بیشتر از مردان، هنگام گفتگو با همجنسان خود به صورت آنان خیره می‌شوند. زمانی که دو زن با یکدیگر صحبت می‌کنند معمولاً به چشمان همدیگر نگاه می‌کنند، اما هنگامی که دو مرد با یکدیگر گفتگو می‌کنند، هر یک به نقطه‌ای چند سانتی متر بالای گوش طرف مقابل نگاه می‌کنند.

توانایی رمز گشایی

توانایی رمز گشایی، به معنای حدس زدن احساسات طرف مقابل با مشاهده رفتار غیر کلامی اوست. برای نمونه فردی که این توانایی را دارد، از حالات صورت، وضعیت بدن و حرکات و نیز صدای دوست خود، در می‌یابد که او خوش و سرحال است یا محزون و افسرده. پژوهش‌های هال و دیگران نشان می‌دهد که این توانایی در زنان به مراتب بیش از مردان است. زنان در قضاوت و استنباط هیجانات و عواطف (بویژه از حالات صورت)، بسیار توانمندتر از مردان هستند. این توانایی حتی در دختران دبستانی دیده می‌شود. زنان در رمز گشایی توان بالایی دارند برای مثال در یک جمع و در یک مهمانی اگر آقا از حرف همسرش خوشش نیاید و اشاره کند خانم سریعاً متوجه می‌شود و مسیر حرف را عوض می‌کند ولی آقایان کمتر متوجه چنین اشاره‌هایی می‌شوند.

می‌توان نتیجه‌گیری کرد که زنان و مردان، هیچ‌یک در رفتارهای غیر کلامی خود ناهنجار و غیر طبیعی نیستند بلکه هر دو محصول سالیان سال شرطی شدن رفتاری هستند. قابل ذکر است که در فرهنگ‌های مختلف تفاوت‌های دو جنس در رمز گشایی و خواندن چهره شدت و ضعف دارد.

تفاوت‌های زنان و مردان در اضطراب

بسیاری از مطالعات نشان می دهند که دختران مضطرب تر و هراسناک تر از پسران می باشند. در جریان امتحانات ، دختران بیشتر درس می خوانند. پسرها در مواقع امتحان آرام هستند، بازی می کنند؛ سوت می زنند و شب امتحان را اکثراً می خوابند. در حالی که دختران ن خوابیده اند و درس خوانده اند. پسرها در جلسه امتحان از روحیه بهتری برخوردارند. بسیاری از دخترها در هنگام امتحان واکنش های فیزیولوژیک و اضطراب را بیشتر نشان می دهند و دستشان دچار تعریق و یا سرد شدگی شدید می شود، تپش قلب بالاتری دارند، دهانشان بیشتر خشک می شود ولی این علائم در پسران بسیار کمتر است. شاید یکی از علل آن باورهای قالبی باشد که گفته می شود مردان نباید بترسند و اضطراب خویش را آشکار سازند و بنابراین مردان کمتر اضطراب خود را نشان می دهند. گرچه این موضوع ادعایی نیست ولی قابل تعمق است.

تفاوت های زنان و مردان در هنر

از مهمترین عواملی که در راه خلق یک اثر هنری لازم است وجود یک استعداد هنری قابل تشخیص است. گفته شده سرخوردگی نقطه آغاز هنر است، اکثر هنرمندان پس از دوره سرخوردگی به توفیق رسیده اند. هنر یک حقیقت انکار ناپذیر آن است که سرخوردگی های عاشقانه عامل اصلی توفیق هنرمندان بوده است. البته امکانات مالی و اعتدال عاطفی نیز مؤثر بوده است. هیچ هنرمندی در میان قحطی زدگان به توفیق نرسیده است. دیگر توفیق هنر، اعتدال در عاطفه است. آنها که به شدت عاطفی اند و یا کاملاً خشک و منطقی هستند در هنر کمتر از مردم معتدل توفیق دارند.

زنان در عرصه پرورش کودک و گرداندن زندگی و انواع کارهای ظریف از مردان جلوترند. زندگی سالم و شاد و رو به ترقی و پیشرفت، اغلب مدیون زنان یک سرزمین است. زنان در هنرهای نمایشی توفیق بیشتری از مردان به دست می آورند و این برخلاف تصور عامه هیچ ارتباطی با زیبایی آنها ندارد.

تفاوت‌های زنان و مردان در افسردگی

زنان بیش از مردان افسرده می‌شوند و ظاهراً افسرده پیدا می‌کنند اما افسردگی آنها سطحی و موقتی است. مردان کمتر افسرده می‌شوند ولی افسردگی آنها عمیق و پایدار است ولی همین افسردگی را هم نشان نمی‌دهند. آقایان به ندرت افسردگی را نشان می‌دهند. آمار خودکشی در مردان بالاتر از زن‌هاست، پژوهش‌هایی انجام شده که نشان می‌دهد زنان سه برابر بیش از مردان اقدام به خودکشی می‌نمایند ولی مردان سه برابر بیش از زنان واقعاً خودکشی می‌کنند.

نحوه برخورد با فشارهای عصبی

یکی از تفاوت‌های عمده زن و مرد نحوه برخورد آنها با فشارهای عصبی و روانی است:

- مردها در این مواقع بیشتر گوشه‌گیر شده و در خود فرو می‌روند؛ در صورتی که زن‌ها به هیجان آمده مسئله را مطرح می‌کنند. برای دستیابی به آرامش و حالت عادی، مرد در جهت حل مسئله می‌کوشد، و زمانی که مسئله حل شد سریعتر به حالت عادی بر می‌گردد. ولی زن بیشتر نیاز به همدردی دارد.

- مردان علاقه‌مندند مسائل‌شان را به تنهایی حل نمایند؛ لذا سعی می‌کنند مشکلاتشان را برای کسی مطرح نکرده و صحبتی از آن به میان نیاورند مگر آنکه موضوع محتاج کارشناسی و تخصص باشد. زیرا معتقدند وقتی کسی قادر به انجام کاری است این نشانه ضعف است که از دیگران کمک بخواهد و البته زمانی که به کمک احتیاج داشته باشند سعی می‌کنند با شخص مورد اعتماد مشورت کنند. به اعتقاد آنها گفت و گو در مورد مسئله با کسی، به معنای درخواست کمک و یاری است. بنابراین زن‌ها باید متوجه باشند موقعی که مرد درخواست یاری نموده است راهنمایی و گوشه‌های زن ممکن است برای مرد مداخله محسوب شود و اعتماد به نفسش را جریحه دار کند، در صورتی که زن‌ها دوست دارند در مواقع ناراحتی با کسی حرف بزنند. زن‌ها روابط حمایتی را جستجو می‌کنند. زن‌ها رابطه‌گرا هستند و مردها هدف‌گرا.

اکثر مردها فقط به دو دلیل مشکلاتشان را مطرح می‌کنند:

- ۱- زمانی که کسی را مقصر بدانند و بخواهند او را سرزنش کنند.
- ۲- زمانی که در جستجوی راه حل مسئله ای باشند؛ بنابراین صحبت های همسرشان را نیز به همین منوال تعبیر می کنند و موجب آشفته گی روحی اش می شوند. مردها باید هنر گوش دادن را بیاموزند.

تفاوت های زنان و مردان در مهرورزی

یکی از جنبه های تفاوت های زن و مرد، در مهرورزی نسبت به دیگران است. در این مورد دیدگاه قالبی مهرورزی زنان را بیش از مردان می داند. در برخی پژوهش ها دختران جوان، دو برابر پسران جوان نسبت به کودکان خردسال مهر می ورزند. شماری از روان شناسان از جمله « برمن » معتقدند که زنان بیشتر از مردان به پرسش های کودکان و خردسالان پاسخ می دهند.

تفاوت های زنان و مردان در انگیزه

- مردان زمانی دارای انگیزه می شوند که احساس کنند به کمک آنها احتیاج هست ، اگر احساس کنند به کمک آنها احتیاجی نیست، کسل میشوند. اگر احساس کنند می توانند کارهایی را انجام دهند که همسرشان را خوشحال کنند، احساس انرژی بیشتری می کنند.
- زنان زمانی دارای انگیزه می شوند که آنها را عزیز بدانند و احساس کنند مورد تحسین و قدردانی قرار گرفته اند.

- در یک ازدواج ناموفق، مردان احساس شکست از زندگی مشترک، درد جدایی و تنهایی را به طور عمیق احساس می کنند و غمگین می شوند، ولی پس از جدایی گریه نمی کنند و درد و غم ناشی از تنها شدن را در خود می ریزند؛ چون خصوصی ترین مسایل شخصی و زندگی مشترک خود را کمتر با دیگران در میان می گذارند، بنابراین ممکن است دچار ناراحتی های روحی و روانی شوند و جهت رهایی از

فشارهای درونی، به مواد مخدر، الکل و دیگر تسکین دهنده ها پناه ببرند و دچار ناراحتی و انواع بیماری ها و ... هم می شوند.

- در یک ازدواج شکست خورده، زنان مسایل جدایی را به طور عمیق احساس می کنند، ولی چون رابطه گرا هستند، غم ناشی از تنها شدن و بیان مسایل شخصی و زندگی مشترک خود را به راحتی با دیگران بازگو می کنند و همچنین با گریه کردن، از فشارهای روحی و روانی خود می کاهند، در واقع، درد جدایی را کم می کنند.

- بر اساس آمار موسسه هاریس، فقط ۷۶ درصد از زنان، اعلام کرده اند که حاضر هستند با همسر کنونی شان ازدواج کنند. بر اساس آمار موسسه هاریس، ۸۷ درصد مردان متاهل اعلام کرده اند که اگر قرار باشد دوباره ازدواج کنند، حاضرند با همسر کنونی شان ازدواج کنند.

نتیجه گیری از مقایسه ویژگی های زنان و مردان

از مقایسه خصوصیات و ویژگی های زنان و مردان، می توان نتیجه های زیر را به دست آورد:

- زنان و مردان، مکمل یکدیگر هستند؛ ویژگی مردان، کمبودهای زنان و ویژگی های زنان، کمبودهای مردان را تکمیل می کند. به عبارت دیگر، هر کدام کمبودهای دیگری را برطرف می سازند، بنابراین اگر با یکدیگر هماهنگ شوند، در بسیاری از موارد، مسایل و مشکلات منطقی تر، عاقلانه تر و اصولی تر برطرف می گردند.
- وقتی زن و مرد تفاوت های یکدیگر را بدانند و آنها را بپذیرند، ارتباط قوی و موثری بین آنان برقرار می شود و عشق، فرصت شکوفایی پیدا می کند. بنابراین، آگاهی از ویژگی های رفتاری زنان و مردان، در بهبود روابط همسران و ایجاد آرامش بیشتر و تنش کمتر، موثر می باشد.

- یکی از علت های اصلی ستیزه ها و کشمکش های دائمی، عذاب آور و جان فرسا بین زن و شوهرها، این است که مردان، زنان را با ویژگی های خودارزیابی می کنند و زنان، مردان را با معیار خودمی سنجند. ارزیابی خصوصیات مردان و زنان با یکدیگر همان قدر اشتباه است که مایعات با متر و منسوجات با لیتر سنجیده شوند. چنین سنجش هایی به طور معمول، حس تحقیر یا برتری کاذب به دنبال دارد.

- در قیاس بین ویژگی های زنان و مردان، نباید فکر کنیم که خصوصیات مردان، از خصوصیات زنان بهتر است و یا برعکس. برای نمونه: آیا رابطه گرایی، دوست داشتن تشریفات، محافظه کاری در حفظ ثروت ها، زایمان، کارها را با یک روند تدریجی انجام دادن و ... صفت های خوب هستند یا بد؟ (ویژگی غالب در زنان). آیا مشکلات رادرتهایی و سکوت حل کردن، کمتر تشریفات بودن، کلی نگری در امور، از راه چشم عاشق شدن، به دنبال مسایل مالی، غیرایستا نگریستن و ... خوب هستند یا بد؟ (ویژگی غالب در مردان)

تفاوت مغز زنان و مردان

- در مغز زنان اتصالات و ارتباطات بیشتری بین دو نیمکره چپ و راست وجود داشته که به آنها این توانایی را می دهد تا از مهارت گفتاری بهتری نسبت به مردان برخوردار باشند.

- در مردان ارتباط کمتری بین دو نیمکره مغزشان وجود داشته و به آنها این قابلیت را میدهد تا دارای مهارت بیشتری در استدلال های انتزاعی و هوش دیداری - فضایی باشند. مردان در حل مسائل فنی بهتر می باشند.

- ارتباط بین دو نیم کره مغز، در زنان حدود ۱۵ درصد بیشتر از مردان است. زنان بین دو نیم کره مغز، ارتباط بهتری برقرار می سازند و توانایی بیشتری در انجام کارهای مختلف و چند وظیفه ای در یک زمان را از خود نشان می دهند.
- ارتباط بین دو نیم کره مغز در مردان کمتر از زنان است؛ توانایی مردان در انجام کارهای مختلف و چند وظیفه ای هم زمان، از زنان کمتر است.
- مردان تمایل دارند تا اطلاعات را طبقه بندی کرده و در مغزشان ذخیره کنند. زنان تمایل دارند تا اطلاعات را بارها و بارها در مغزشان مرور کنند.
- زنان اندیشه استقرایی دارند و از جزء به کل می رسند؛ خواهان احساس و عاطفه بیشتری هستند در تصمیم گیری مرددند؛ برای تصمیم گیری به اطلاعات بیشتری نیاز دارند، ولی به آسانی اشتباه های خود را قبول می کنند.
- مردان با شیوه قیاسی، استدلال می کنند و از کل به جزء می رسند و خواهان اطلاعات بیشتری هستند، سریعتر تصمیم می گیرند و کمتر حاضر می شوند به اشتباه های خود اعتراف کنند.

مقایسه انواع تفکر در زنان و مردان

تفکر غالب

- تفکر غالب در مردان: جدایی (استقلال)، موفقیت، شغل
- تفکر غالب در زنان: وابستگی (تعلق)، گفتگو و رابطه

تفکر ابتدایی

حرف زدن و خواب دیدن علامتی از تفکر ابتدایی است. تفکر ابتدایی ویژه کودکان است. گفته شده است به طور کلی دختران کوچک بیشتر از پسران کوچک می اندیشند، در بسیاری از مواقع خانمها خوابهای طولانی می بینند.

تفکر انتزاعی

انتزاعی کردن به معنای بیرون کشیدن است. این نوع تفکر بدین معناست که شما قادر باشید معنای صحیح را از یک موقعیت استنتاج کنید. این تفکر یک پیشرفت و گسترش همیشگی دارد. خانمها در تفکر انتزاعی جزئی گرا هستند و آقایان کلی گرا. به همین خاطر حرف زدن با خانمها مشکل است. رابطه و مباحثه با ایشان سخت و طولانی است. ولی آقایان در مباحثه و مجادله به سرعت موضوع را ختم می کنند.

گاهی وقت ها مشکلات خانواده ها بر سر همین ادراک کلی و جزئی است. خانمها وقایع را با جزئیات کامل و به صورت نمایشی تعریف می کنند ولی آقایان کلیات را مطرح می نمایند. به همین خاطر اگر برای مثال آقای به تنهایی در یک مهمانی شرکت کند وقتی برمی گردد خانم دائماً از کیفیت مهمانی، تعداد افراد و وقایعی که گذشته است سؤال می کند، اما آقا به خاطر ادراک کلی توضیح زیادی ندارد که بدهد؛ دائم می گوید خوب بود، بد نبود ولی باز هم خانم سؤال می کند. در این شرایط آقای که از روانشناسی و نوع ادراک زنها اطلاعی ندارد، عصبانی می شود و فکرمی کند خانم می خواهد استیضاحش کند و خانمی هم که از نوع ادراک مردها بی اطلاع باشد، می پندارد همسرش می خواهد چیزی را از او پنهان نماید.

از جمله اشکالات یک تفکر انتزاعی گسترده این است که خانمها عصبانی هستند و مردها که این گستردگی تفکر انتزاعی را ندارند آرام اند.

بینش و بصیرت نسبت به خود

خانمها از وضعیت ظاهری و از حالات روانی و درونی خود آگاهتر از آقایان اند، و به خاطر همین برتری با کوچکترین نشانه بیماری به پزشک مراجعه می کنند، تعداد مراجعین زن به پزشک بیشتر از مردان است، اما آقایان گاهی چنان از جسم و روان خود بی خبر می شوند که گاهی جان خود را از دست می دهند و پس از مرگ مشخص می شود که به بیماریهای مزمن مبتلا بوده اند.

تفاوت زنان و مردان در دستگاه های ادراکی

زمانی که دستگاه های ادراکی را بررسی می کنیم به تفاوت های بیندو جنس بر می خوریم:

ادراک شنوایی

زنان توانایی فوق العاده ای در شنیدن دارند که از هر صد محرک صوتی تقریباً تمامی آنها را می شنوند. در این زمینه تحقیقی در یک سالن بزرگ ارکستر صورت گرفت که در حدود دو بیست و پنج نوازنده نوازهای مختلف می نواختند و خانمها صدای اکثر آنها را تشخیص دادند؛ در حالی که آقایانی که رهبر ارکستر بودند صداهای تعدادی از سازها را نمی شنیدند. این نشنیدن آقایان به علت ضعف دستگاه شنوایی نیست، بلکه بدین علت است که انسان در مغز یک پالایه یا صافی دارد که تمام صداها از آن صافی رد می شود و صدای مطبوع از آن پالایه عبور می کند و ما آن را می شنویم، گویا حساسیت این پالایه در مغز خانمها کمتر است، از این رو خانمها تقریباً تمام صداها را می شنوند و آقایان تنها صداهای انتخاب شده را می شنوند.

شنیدن زیاد انسان را خسته می کند، به خاطر همین می گویند زن موجودی است حساس، زیرا همه صداها و محرک های صوتی را می شنود و در بسیاری از مواقع توان پاسخگویی به همه آنها را ندارد. آقایان کمتر می شنوند لذا کمتر انرژی مصرف می کنند، پس کمتر خسته می شوند.

مردان صداهای گوشخراش، را ترجیح می دهند. زنان دارای گوش تیزتری می باشند و هنگام صحبت کردن از واژه های بیشتری استفاده می کنند.

قدرت بینایی

قدرت بینایی زنها همانند قدرت شنوایی، از مردها بیشتر است و این امر به خاطر این است که زنان ادراک جزئی دارند و مردها ادراک کلی. خانمها تمام جزئیات را می بینند و آقایان فقط کلیات را می بینند. از این لحاظ سرعت ادراک در زنها بیشتر است. منظور از سرعت درک این است که فرد با سرعت ودقت متوجه جزئیات امری شود و سپس توجه خویش را معطوف به مرحله دیگری از درک کند. در تحقیقی هزار نفر زن و مرد را وارد یک سالن کردند که سن تمام این افراد نزدیک به هم بود و سواد و فرهنگ آنها نیز مشابه بود. از آنها خواسته شد هر آنچه در سالن می بینند بنویسند. سپس اطلاعات به دست آمده را مقایسه کردند. نتیجه بسیار جالب بود: خانمها چندین صفحه نوشته بودند و آقایان فقط چند خط. از طرف دیگر مردها در چهره شناسی و باز شناسی چهره ها از زنها موفق ترند. می توان گفت زنها در تشخیص رنگها و ادراک اندازه ها برتری قابل ملاحظه ای نسبت به مردها دارند. برای مثال زنها بین رنگ صورتی تا بنفش طیف گسترده ای از رنگها از قبیل صورتی، سرخابی، یاسی، بادمجانی، پوست پیازی و نهایتاً بنفش را شناسایی می کنند و اختلاف بسیار ظریف رنگها را بهتر درک می کنند، در صورتی که این تنوع رنگ با جزئیات در مردها وجود ندارد.

احساس و ادراک بویایی

قدرت بویایی در زنان بیشتر و در زنان باردار قویتر از افراد عادی است. علت این امر آن است که حس بویایی به میزان استروژن بستگی دارد و استروژن در این دوران افزایش می یابد. اصلاً قدرت بویایی، سنگ بنای رابطه احساسی بین مادر و کودک است. در تحقیقی چشم های تعدادی از مادران را بستند و سپس آنها را تک تک در مقابل تعدادی نوزاد قرار دادند و مادران از طریق حس بویایی نوزاد خود را تشخیص دادند.

قدرت چشایی

زنان از قدرت بالایی نسبت به مردان برخوردارند. گاهی اوقات زنان شکایت می کنند که شوهرانشان در اوایل ازدواج از کیفیت غذای پخته شده توسط آنها تعریف می کنند ولی بعداً بی تفاوت می شوند. این امر مربوط به چشایی ضعیف مردان است.

حساسیت نسبت به درد

بعضی از تحقیقات نشان می دهد آستانه درد زنان پائین است. به علت این که پوست حساس تر و ظریف تری نسبت به مردان دارند، قدرت تحملشان هم کم است یعنی با کمترین ضربه، احساس درد می کنند. در مقابل، آستانه درد مردها بسیار بالاست و قدرت تحملشان نیز بیشتر است. از تحقیقات فوق چنین استنباط می شود که به طور کلی قدرت ادراک درزنها بالاتر از مردهاست.

چرا زنان گریه می کنند؟

مسلماً یکی از برجسته ترین حالات مقابله ما با کسی که گریه می کند، این است که دلمان به حال وی می سوزد.

- زنان در مقابله با مردان به خاطر داشتن احساسات قوی تر، بیشتر گریه می کنند.
- گریه کردن زنان همیشه به صورت ارادی نیست، بلکه عمدتاً گریه کردن یک عمل غیر ارادی است.
- زنان در بروز احساسات خود به دیگران اعتماد می کنند. گریه کردن نیز یک نوع تکیه به دیگران محسوب می شود.

- گریه کردن در زنان به این علت زیاد تر است که غدد اشکی زن بالاتر و فعال تر از مرد است. به همین علت مردها به ندرت در اماکن عمومی و در مقابل جمع گریه می کنند.

- از دیدگاه تکاملی و زیستی اگر یک مرد احساسات خود را بویژه در مقابل مردان نشان دهد، خود را در معرض خطر بزرگی قرار داده است. چون مردان گریه کردن را نشانه ی ضعف فردی می دانند و معتقدند با این کار دیگران را تشویق کرده ایم که به ما حمله کنند.

اشک ریختن سه فایده ی مهم را به دنبال دارد:

۱. سطح چشم را تمیز می کند.

۲. مواد شیمیایی مضر را از بدن خارج می کند و به عنوان نشانه ی اندوه، غم و بعضاً خوشحالی، در موقعیت های احساسی و پر استرس از چشم خارج می شوند.

۳- گریه کردن به عنوان کاهش دهنده ی استرس و اضطراب محسوب می گردد و مواد سمی (تاکسین) که در اثر استرس بوجود آمده را از بدن خارج می کند. اشک ماده ای به نام اینورفین تولید می کند که، ماده ای طبیعی برای کاهش درد و استرس به حساب می آید.

جنسیت و جامعه

در طول تاریخ همواره نخستین سوالی که والدین هنگام تولد یک نوزاد می پرسند یکسان است، آیا نوزاد پسر است یا دختر؟ ضرورت این سوال نشان می دهد که همه جوامع اهمیت زیادی به تفاوت بین زن و مرد می دهند. تقسیم بندی گونه های انسانی به دو طبقه اساسی مبتنی بر جنس یعنی تمایز بیولوژیکی بین مردان و زنان است ولی جنسیت به تفاوت های اکتسابی فرهنگی بین مردان و زنان دلالت دارد. به عبارت دیگر، زن و مرد بودن چیزی است که از هنگام تولد وجود دارد، ولی زنانگی و مردانگی چیزی است که از طریق جامعه پذیری به دست می آید. بدین ترتیب جنسیت صرفاً بر ویژگی های اجتماعی دلالت دارد از قبیل تفاوت در سبک مو، لباس فرهنگی، نقش های شغلی و سایر فعالیت ها و صفات اکتسابی فرهنگی. اعضای هر جامعه، معمولاً این فرض را قبول دارند که حالت خاص مردانگی و زنانگی آنان همانند تمایزات بیولوژیکی بین زن و مرد بخشی از طبیعت انسانی را تشکیل می دهد. هر جامعه از زنان و مردان انتظار دارد که نقش های جنسیت (roles gender) یا الگوهای رفتار، تعهدات و امتیازات خاصی را که مناسب برای هر جنس به نظر می رسد، ایفا کنند و از آنجا که پایگاه های اجتماعی جنس ها عموماً نابرابر

می باشند، لذا نقش های جنسیت، معمولا منعکس کننده (و تقویت کننده) هرگونه طبقه بندی جنسی است که اکنون وجود دارد.

تغییرات نقش های مردان

القائات گذشته با هنجارهای امروزی مردان متفاوت است. در گذشته مرد ایده آل کسی بود که قدرت پرخاشگری داشته باشد. لیکن امروز این صفت سرزنش می شود، به علاوه در گذشته مرد می بایست در فضای کاری، قاطعیت و خشونت از خود نشان دهد، لیکن امروزه هنر در این است که شخص هر چه بیشتر با همکاران خویش هماهنگ و همسو باشد.

نقش های سنتی مردان توسط جامعه شناسان و انسان شناسان مورد مطالعه قرار گرفته است. امروزه اوضاع دگرگون شده است، زیرا کار کردن در کارخانجات و شرکت ها و موفق شدن، مستلزم ویژگی هایی می باشد که به جای زورمندی محتاج ظرافت و هوشمندی است. مرد امروزی باید به طور مطلوب با همکاران خویش تعامل داشته باشد و با مساعدت آنان به اهداف عالی خویش برسد. به علاوه مردان امروزی باید خویشان دار باشند، لیکن باید حساسیت های عاطفی خویش را نیز ابراز نمایند.

جنسیت و فرهنگ

تمایل فرهنگی غالب در جهت یک الگوی نیرومند مبتنی بر تسلط مردان است. حتی در جوامع صنعتی نوین نیز، که ملتزم به برابری جنسیتی می باشند، تسلط جنس مرد ادامه دارد. این واقعیت که سیاست عمده کار مردان است، به جنبه میان فرهنگی دیگری نیز دلالت دارد، که در همه جوامع حداقل نوعی تقسیم کار یعنی تخصصی شدن فعالیت های اقتصادی خاص بر حسب افراد یا گروه ها، وجود دارد. روش های

بسیاری در مورد تقسیم کار موجود است ولی یک روش همه جایی است که عبارت است از تخصیص کارها بر حسب جنس. در سرتاسر جهان، مردان عموماً مسوول کارهایی می شوند که مستلزم فعالیت بدنی سخت یا دور شدن از خانه است و از سوی دیگر، زنان مسوول کارهایی هستند که مستلزم تلاش جسمی کمتر است و در ارتباط با منزل قابل انجام است مانند پرورش کودکان یا تدارک غذا. محتوای خاص مردانگی و زنانگی قبل از هر چیز یک محصول اجتماعی است که توسط هر نسل از نو آموخته می شود. هیچ جامعه ای برای تولید نقش های خاص جنسی، هر چه که باشد، بر طبیعت تکیه نمی کند، و نیز حتی همه جوامع با نابرابری های بین زنان و مردان مشخص می شوند.

تفاوت های احساسی در دوران رشد

ریشه این تفاوت های احساسی پسرها و دختران در دوران رشد جست و جو می شود. براساس پژوهش های مربوط به اختلافات، احساسات را بین دو جنس جمع بندی و خلاصه می کنند.

- دخترها خیلی سریع تر و آسان تر از پسرها به روانی بیان می رسند و همچنین می توانند تجربه بیشتری در جداسازی احساسات شان داشته باشند.
- در کاربرد کلمات برای جایگزینی واکنش های احساسی مانند جنگیدن مهارت بیشتری در پسرها وجود دارد. پسرها تقریباً به نسبت وسیع و به سادگی به برخوردهای خشم آلود خود ادامه داده و از سیاست های پوشیده کاملاً بی خبرند.
- وقتی دخترها بازی می کنند تاکیدشان بیشتر به حداقل خصومت و دعواست و بقیه را به کار گروهی و همکاری با یکدیگر دعوت می کنند و چنانچه دعوایی پیش آید سعی در آرام کردن آنها دارند. در حالی که وقتی پسرها بازی می کنند تاکیدشان بر رقابت است.

روان شناسان می گویند:

- پسرها دارای غرور و عدم وابستگی هستند در حالی که دختران این گونه نیستند. بدین ترتیب خواندن احساسات از چهره یک زن بسیار آسان تر از چهره یک مرد است. این مطلب تا اندازه ای اختلاف کلیدی دیگری را باز می تاباند و نشان می دهد که زنان به طور متوسط تمام طیف احساسات را با شدت بیشتری از مردان تجربه می کنند.

عوامل مؤثر در تقویت تفاوت های بین زن و مرد

علاوه بر تغییراتی که از لحاظ ساختار فیزیولوژیکی و روانی بین زن و مرد وجود دارد، شیوه نگرش و نحوه تربیت نیز از همان روزهای اولیه زندگی برای نوزاد دختر و پسر متفاوت است. جنسیت فرد بر حسب مذکر یا مؤنث بودن از اهمیت زیادی برخوردار است. اولین پرسش پس از متولد شدن نوزاد درباره دختر یا پسر بودن اوست. جنسیت فرزند برای بسیاری از والدین مهم است. بررسی بسیار گسترده ای که توسط پیترسون و دیگران صورت گرفت نشان داده ۹۰ درصد مردان و ۹۲ درصد زنان آرزو داشتند نخستین فرزندشان پسر باشد.

اگر دختر چهار ساله ای دوست دارد با عروسک بازی کند و به او لباس بپوشاند این بدان معنا نیست که او در آینده نمی تواند یک مهندس یا یک حقوقدان بشود. در بازی کودکان آن چه اهمیت دارد اینست که اسباب بازیهای متنوعی در دسترس آنها قرار گیرد.

رفتار والدین در مورد فرزندان دختر و پسر متفاوت است. حتی نحوه بغل کردن نوزاد نیز فرق می کند. پدران اکثراً نوزاد دختر را با احتیاط بیشتری بغل می نمایند و هنگام بازی با نوزاد پسر، وی را بیشتر بالا و پایین می اندازند. افزون بر آن در انتخاب رنگ و نوع لباس و تزئین اتاق خواب نوزاد تفاوت هایی قایل می

شوند، معمولاً برای دختران بیشتر از رنگ صورتی و قرمز و لیمویی و برای پسران بیشتر از رنگ آبی و یا رنگ های تیره تر استفاده می کنند.

در انتخاب اسباب بازی نیز برای آنها تفاوت قایلند. برای دختر بچه عموماً عروسک و وسایل خانه بازی گرفته می شود و برای پسران خرید اسباب بازی هایی همچون ماشین و تفنگ رایج است. کمتر کسی برای هدیه تولد پسر بچه ای عروسک تهیه می کند.

«کاتز»، در مورد نحوه برخورد والدین با کودک و اسباب بازی، پژوهشی انجام داد. او در یک آزمایشگاه روان شناسی برخورد بزرگسالان را با یک کودک ۳ ماهه که لباس زردی به تن داشت مشاهده می نمود. در این تحقیق به بعضی از آنها گفته شده بود نام کودک «مری» است. و به بعضی گفته شده بود که نام کودک «جانی» است. در اتاق نیز سه اسباب بازی وجود داشت. یک عروسک، یک توپ فوتبال و یک ماشین. بزرگسالانی که فکر می کردند کودک دختر است معمولاً عروسک را در اختیار او قرار می دادند و اشخاصی که فکر می کردند نوزاد پسر است بیشتر ماشین را در اختیارش قرار می دادند. چند سال بعد زمانی که آزمایش مجدداً تکرار شد همان نتایج به دست آمد. کاتز نتیجه گرفت بزرگسالان اغلب بدون این که درباره موارد استفاده و کاربرد اسباب بازی ها بیندیشند تصور می نمایند دختر یا پسر لازم است هر کدام با اسباب بازی مخصوص جنس خود بازی کنند.

«کاتز» هم چنین معتقد است اسباب بازی های دخترانه مانند عروسک به دختران اجازه نمی دهند که مهارت های مکانیکی را به خوبی پسران که معمولاً با کامیون ها و بلوک ها بازی می کنند تمرین کنند و دخترها به خوبی پسرها در مدارس به خاطر تجسم فضایی و مهارت های ریاضی پاداش نمی گیرند.

«ایورباخ»، روان شناس کودک از موزه اسباب بازی بین المللی سانفرانسیسکو، معتقد است اگر دختر چهار ساله ای دوست دارد با عروسک بازی کند و به او لباس بپوشاند این بدان معنا نیست که او در آینده

نمی تواند یک مهندس یا یک حقوقدان بشود. در بازی کودکان آن چه اهمیت دارد اینست که اسباب بازی های متنوعی در دسترس آنها قرار گیرد.

همان طور که در مباحث قبل ذکر شد، تفاوت های جنسی زن و مرد در سایه تفاوت های رفتاری اطرافیان تکمیل می گردد. مثلاً دیدیم که مرد قوی تر، اما در مقابل آسیب پذیرتر از زن است؛ استقلال و اتکاء به نفس بیشتری دارد، حادثه جوتر، پرخاشگرتز، جاه طلب تر و کنجکاوتر از زن است. استعداد مکانیکی و تجسم فضایی او بهتر است و اهل سیاست است. زن نیز استعدادهایی دارد که ارتباط او را با دیگران تسهیل می کند، از نظر بدنی و روانی زودتر از مرد بالغ می شود و مهارت های کلامی و مخصوصاً سیالی کلامی در او بیشتر و بهتر است. به مراقبت و توجه از دیگران تمایل نشان می دهد، زود جوش تر و سازگارتر از مرد است، و دنیا را با دید اخلاقی و زیباشناسی می بیند.

زیربنای زیستی فوق از همان لحظه تولد تحت تأثیر بسیاری از عوامل اجتماعی و فرهنگی قرار می گیرد. مثلاً از همان اوان کودکی دخترها را به تقلید از الگوهای مادران، و پسرها را به تقلید از الگوهای پدران وادار و تشویق می کنند. اگر دختر بچه ای رفتار مادرش را تقلید کند تشویق می شود و اثر این تشویق تقویت می شود و به تکرار آن رفتار می پردازد، اما اگر رفتار مردانه را تقلید کند نه تنها تشویق نمی شود بلکه از انجام آن منع می گردد.

تفاوت های دو جنس تا حدودی نیز توسط اجتماع تعیین می شود. از همان کودکی به بیشتر دخترها تلقین می شود که باید در روابط اجتماعی خود آرام تر و منفعل تر باشند. دخترها و زن ها اجازه دارند به راحتی گریه کنند و در رفتار خود لطافت و محبت نشان دهند؛ اما مردها باید دلیر، مصمم و قادر به کشیدن درد و رنج در خلوت.

دنیای امروز در دست مردهاست، حتی زمانی که زن ها می خواهند در بیرون از خانه کار کنند بسیاری از مردها مانع می شوند و اگر هم با شاغل بودن زن موافقت کنند، شرایطی دارند و با هر کاری و در هر حالی موافقت نمی کنند. حتی در جوامعی که ظاهراً زن ها از نظر اقتصادی و اجتماعی برابری کامل با مردها دارند باز هم تصمیمات عمده سیاسی، علمی، اجتماعی و هنری توسط مردها گرفته می شود. بدیهی است که همه این عوامل موجب هرچه بارزتر شدن تفاوت های بین دو جنس می شوند. یکی دیگر از عوامل مؤثر در تفاوت های بین زن و مرد ، تلویزیون می باشد. پژوهش ها نشان می دهد که کودکان کمتر از ۵ سال به طور متوسط ، ۲۵ ساعت در هفته را به تماشای تلویزیون می گذرانند. به این ترتیب تا زمانی که دوره دبیرستان را به پایان برسانند، حدود ۱۵ هزار ساعت از وقت خود را به تماشای برنامه های تلویزیون صرف کرده اند. براساس تحلیل های سربین برنامه های تلویزیون به سه طریق، الگوهای قالبی زن و مرد را به کودکان و نوجوانان آموزش می دهد.

- مردها بیش از زنان، در برنامه نشان داده می شوند. این رقم را تحلیل گران حدود سه مرد در برابر یک زن گزارش کرده اند.

- مردان و زنان در فعالیت های مختلفی اشتغال دارند، بدین معنا که مردان بیشتر به کارهای علمی، صنعتی و فعالیت های جسورانه و زنان به کار در خانه (نظافت، اطو کشیدن، آشپزی) مشغولند. هر چند اداره کردن محیط خانه خود کار با ارزشی است ولی همه توان زن نمی تواند به آن محدود باشد. افزون بر این، زنان بیش از مردان ناراحتی ها و احساس های منفی را بروز می دهند، زنها به هیجان آمده مسئله رامطرح م یکنند و در حل مسایل به یاری دیگران نیاز دارند. مردها در این مواقع بیشتر گوشه گیر شده و در خود فرومی روند. برای دستیابی به آرامش و حالت عادی، مرد در جهت حل مسئله می کوشد، و زمانی که مسئله حل شد از لاک خود بیرون می آید.

- در برنامه ها به رفتار مردانه بیش از رفتار زنانه، ارزش و پاداش تعلق می گیرد. فراوانی پاداش مردان، نسبت به زنان دو بر یک و فراوانی تنبیه مردان نسبت به زنان نیز سه بر یک است. در نتیجه اعتنا به مردان در برنامه ها، بیشتر بوده و زنان بیشتر مورد بی توجهی اند. اگر کودکان نقش های قالبی جنسیتی را از تلویزیون می آموزند، پس آنان که ساعات بیشتری به تماشای تلویزیون می پردازند بیش از بقیه، نقش های قالبی را که تلویزیون ارایه کرده است، می پذیرند و اعمال می کنند. (البته لازم به ذکر است در کشور ما ممکن است تلویزیون دقیقاً نقش های فوق را در رابطه با نقش زن و مرد القاء نکند و تأثیر آن به گونه ای دیگر باشد).

کتاب ها و منابع درسی

پژوهش های اخیر نشان می دهد که در بسیاری از کتاب ها و منابع درسی، در مقاطع مختلف تحصیلی، دختران و زنان حضور کم رنگی دارند و با آن که زنان نزدیک به ۵۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند کمتر از ۳۰ درصد مطالب و تصاویر به آنان مربوط می شود، که این خود نیز می تواند عامل مؤثر در تصویر تفاوت جنسیت زن و مرد باشد. در اینجا باز هم تکرار می کنیم که اثر اجتماع در ایجاد تفاوت های فردی به هیچ وجه قابل انکار نیست. کلیه تفاوت های فردی و کلیه تفاوت های زنان و مردان در اثر کنش متقابل محیط و توارث به وجود می آید. آخرین کلام این است که وجود تفاوت بین زن و مرد به معنای برتری یکی بر دیگری نیست.

مطالعات انجام شده در زمینه دوستی ها

دوستی های بین دختران و پسران نوجوان حاکی است، از لحاظ گروه گرا بودن و تعداد دوستان، پسران گروه گراترند؛ بدین معنا که گاهی پسران با تعداد ۱۰ الی ۱۵ نفر هم تشکیل یک گروه را می دهند و برای همدیگر دوستان صمیمی می شوند ولی این تعداد در بین دختران کمتر است. معمولاً تعداد دخترانی که با یکدیگر تشکیل یک گروه صمیمی را می دهند بیشتر از پنج نفر نیست که از بین همین تعداد، نوجوان دختر با یک یا دو نفر صمیمی تر است.

در دوستی، زنان علاقه مندتر می شوند و عاطفی تر برخورد می کنند در حالی که دوستی مردان قوی تر و عمیق تر است. تفاوت های جنسی در الگوهای دوستی بستگی زیادی به عامل سن دارد. با بالا رفتن سن و پذیرش مسئولیت های مختلف، الگوهای دوستی تغییر می کند. پس از ازدواج شمار دوستان مردان بیش از زنانشان است. اگر دوستان همسر، از لحاظ اخلاقی مشکلاتی نداشته باشند نباید با آنها قطع ارتباط کرد. دوستان جزء شناسنامه زندگی ما هستند. انسان نیاز به مراودات اجتماعی دارد. رفت و آمد لازمه زندگی است و کودکانی که در خانواده های اهل آداب و معاشرت بزرگ می شوند از لحاظ اجتماعی رشد یافته ترند. پژوهش ها حاکی است در میانسالی و کهنسالی، شمار دوستان زنان بیش از شوهرانشان است. تفاوت عمده زن و مرد در دوستی آنهاست. زنان نسبت به مردان با دوستان خود نزدیک تر و صمیمی تر می شوند و بیشتر درد دل می کنند، یعنی مسائل درونی را بیشتر بازگو می نمایند؛ در حالی که مردان با دوستان خود بیشتر در فعالیت ها مشارکت می کنند. مردان نسبت به دوستان خود احساس مسئولیت بیشتری دارند و نسبت به زنان در این مورد با گذشت ترند.

دیدگاه های کلیشه ای راجع به زنان

تصورات قالبی و کلیشه ای در مورد زنان باورهای قالبی، همانا ذهنیت های ایستا و ثابتی هستند که پایه های علمی ندارند و مردم به مردان یا زنان نسبت می دهند.

اکثریت مردم صفات زیر را از ویژگیهای جنس زن می دانند :

محافظه کار و خویشتن دار
دلواپس عواطف و احساسات دیگران
دارای گرایشات دینی عمیق
میل به امنیت خواهی فراوان
تمایل و علاقه شدید به هنر و ادبیات
به سادگی، عواطف لطیف رابه زبان آوردن

دیدگاه های کلیشه ای راجع به مردان

همانطور که در مورد زنان کلیشه هایی رواج دارد، این مسئله در مورد مردان نیز صدق می کند. ویژگی های ایده آل اجتماعی مردان باید شامل صفاتی چون پرخاشگری، استقلال و خودکفایی، غیر احساسی بودن و اعتماد به نفس باشد و خصوصیات زیر را به مردان نسبت می دهند:

بسیار مستقل است.
پر خاشگرو سلطه طلب است.
به سادگی تحت تأثیر قرار نمی گیرد.
عمیقاً شیفته ریاضیات و مقولات علمی.
در برابر بحرانها، خویشتنداری خود را حفظ می کند.
در بسیاری از زمینه ها فعال بوده و تمایلات رقابت جویی عمیقی دارد.
تقریباً بسان یک رهبر عمل می کند.
معتمد به نفس بوده و بسیار جاه طلب است.
عمیقاً به آداب و شیوه های جهان آگاه است.

برخی کلیشه ها نه تنها در قیاس با سایر فرهنگ ها متفاوت است بلکه این موضوع در میان نژادها و

طبقات اجتماعی نیز تفاوت دارد. مثلاً کلیشه‌هایی سفید پوستان و رنگین پوستان متفاوت هستند. روان‌شناسانی چون «لاندرین»، با توجه به تحقیقاتی که انجام داده‌اند به نتایجی نیز دست یافته‌اند. مثلاً وی زمانی که زنان سفید پوست را با زنان سیاه پوست مقایسه می‌کرد به کلیشه‌های چون وابستگی بیشتر، احساساتی بودن بیشتر و هوشمندی بیشتر دست یافت در صورتی که زنان سیاه پوست را خرافاتی و ستیزه‌جو یافت.

عوامل پایداری باورهای قالبی

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که چهار عامل اصلی در پایداری باورهای قالبی در مورد مردان نمود آشکار دارند:

۱. مردانگی طلب می‌کند که هرگونه خصوصیات زنانه از مردان دور باشد.
۲. مردان باید نماد «چرخ بزرگ» باشند. مرد باید کامیاب شود و همگان به دیده احترام به او بنگرند و نان آوری بزرگ باشد.
۳. مرد باید نماد اعتماد به نفس، نیرومندی و خود اتکایی باشد.
۴. مرد باید پرخاشگر و قدرتمند باشد و از ابراز خشونت و جسارت ابایی نداشته باشد.

منابع:

- پیره روژه، روان شناسی اختلافی زن و مرد، ترجمه حسین سروری، انتشارات جانزاده، ۱۳۷۰.
- گری بنوات، زنان از دید مردان، ترجمه محمد جعفر پوپنده، تهران، انتشارات جام، ۱۳۷۷.
- ژانت هاید، روان شناسی زنان، ترجمه بهزاد رحمتی، چاپ اول، انتشارات لادن، ۱۳۷۷.
- کوت هورین، آیا به راستی مردان از زنان برترند، ترجمه محمود بهزاد، انتشارات رودکی، ۱۳۷۵.
- جان گری، روشهای پیشرفته روابط زناشویی، ترجمه فرشته صالحی، چاپ اول، انتشارات آبتین، ۱۳۷۵.
- هانا استون، پاسخ به مسائل جنسی و زناشویی، ترجمه طرزا اخوان، انتشارات گلشایی، ۱۳۷۰.
- دیوید روبن دانستیهایی زناشویی، ترجمه کیومرث دانشور، چاپ دوم، انتشارات کوشش، ۱۳۷۷.
- آندره میشل، جنبش اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی زاده، چاپ دوم، نشر نیکا، ۱۳۷۷.
- دنا کرولی، روان شناسی افسردگی زنان، ترجمه بهزاد رحمتی، چاپ اول، انتشارات زریاب، ۱۳۷۵.
- جودیث هوپر و همکاران، جهان شگفت‌انگیز مغز، ترجمه ابراهیم یزدی، چاپ اول، انتشارات قلم، ۱۳۷۲.
- نیل کلارک وارن، در جستجوی عشق زندگی، ترجمه مهدی قراچه داغی، چاپ اول، نشر اوحدی، ۱۳۷۷.
- آن دیکسون، قدرت زن مؤثرترین شگردهای قاطعیت، ترجمه توران تمدن (مالکی) چاپ اول، نشر البرز، ۱۳۷۳.
- سکلتون و همکاران، تفاوت‌های فردی، ترجمه یوسف کریمی و فرهاد جمهری، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.